

عنوان مقاله:

چهار فرضیه در علل نبود تفکر بنیادین در شعر سبک هندی

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

قدرت اله طاهری - استاد یار دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

شعر در یک دیدگاه کلی، به دو حوزه شکل (form) و محتوا (meaning) تقسیم می شود. آنچه شکل اثر را می سازد، زبان، صور خیال، موسیقی (وزن و قافیه) و ساختار بیرونی و درونی (پیوند پوشیده عناصر متن در محور عمودی) است؛ و محتوای اثر نیز بازتابی از جهان بینی، نگرش و تجارب ویژه شاعر از دنیای پیرامون او است. در ادوار مختلف شعر فارسی، توجه شاعران و ادیبان یا بر جهان معنای اثر بوده و یا بر شکل بیان آن: برای شاعران سبک خراسانی و عراقی و نیز سبک نیمایی دوران معاصر، کشف معانی عمیق انسانی، فلسفی، عرفانی و اجتماعی در درجه اول اعتبار قرار داشت؛ برای شاعران سبک هندی (اصفهانی) و پاره ای از جریان های ادبی معاصر مانند موج نو، شعر حجم، شعر ناب و پسامدرن، بخش هایی از شکل شعر، یعنی صور خیال و زبان، اهمیت بیشتر داشت و دارد. اینکه کدام بعد اثر هنری محتوا یا شکل ارزشمندی و جاودانگی آن را تضمین می کند، علی رغم کوشش بی وقفه منتقدان ادبی از افلاطون تا بارت و دریدا و اکو و دیگران، هنوز مشخص نیست و در بین منتقدان، گرایش های افراطی به جانب معنا و یا شکل و نیز رویکردهای اعتدالی به هر دو حوزه اثر ادبی دیده می شود و متمایل شدن به هر جانب، به منظر (perspective) فرد بستگی دارد. سبک هندی، بی هیچ تردیدی، یکی از دوره های در خور توجه در ادبیات کشورهای فارسی زبان است و شاید تنها سبکی است که در مرزهای خارج از ایران و به صورت سبکی منطقه ای در مدتی طولانی رواج گسترده داشته است. نگرش و تحلیل انتقادی این دوره ادبی، علاوه بر روشن کردن دلایل پوشیده اوج و فرود آن، می تواند در سرنوشت جریان های ادبی معاصر در ایران و سایر کشورهای فارسی زبان کارساز باشد. به نظر می رسد شعر فارسی، با وجود راه یافتن به جغرافیای سیاسی و فرهنگی جدید هندوستان از اوایل قرن دهم، نتوانسته است به «عالم جدید معرفت شناختی» دست یابد و وارد «گفتمان سازنده» با فرهنگ هندی از جمله سنت اسطوره ای، فلسفی، دینی و ادبی آن نشده و یکی از دلایل زوال آن نیز خالی بودن از تفکر بنیادین و فقر معنایی است. در این مقاله، ضمن طرح چهار فرضیه درباره علل این مسئله، فقر فکری و فلسفی در سبک هندی، به ویژه نسل دوم، یعنی کسانی که بعد از صائب به شهرت ادبی رسیده اند، بررسی می شود.

کلمات کلیدی:

نقد ادبی، نقد جامعه شناختی، سبک شناسی، سبک هندی، تفکر بنیادین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1387027>

